



دکتر جواد منصور:

انقلاب اسلامی ایران جهان را تغییر خواهد داد

۲

فرهنگ
روزش
معارف
ادب و هنر
سبک‌دستی
اقتصاد
چهارمهر



انقلاب بالانشین‌ها یا انقلاب پایین نشین‌ها؟

جواد صبوخی

اینک دیگر پس از گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها انقلابیون سال ۵۷ که بسیاری از محققان علوم اجتماعی و تحلیلگران جنبش‌ها و قیام‌های مردمی پس از مطالعه روند شکل‌گیری این انقلاب به نقش مؤثر رهبری در آن اعتراف کرده‌اند. این انقلاب برخلاف سایر خیزش‌ها و تحولاتی که در دیگر کشورها شکل گرفته است تنها محصول نارضایتی قومی، حزبی و حتی ایدئولوژیک یک جامعه نبود بلکه آنچه به ایجاد آگاهی مردم نسبت به تحولات پیرامونی آنها انجامید تأثیرپذیری آحاد جامعه از مفاهیمی بود که از سوی رهبری روحانی تبیین می‌گردید و شاید به همین دلیل بود که انقلاب حاضر نه تنها خط‌ارایش فکری تحلیلگران این حوزه را برهم زد که توانست الگوی نوینی برای ترسیم تئوری‌های اجتماعی ارایه دهد. این تغییر تا آنجا ادامه یافت که برخی از همین محققان از پدیده حاضر به عنوان یک استثنا در میان پدیده‌های مشابه و نظیر خود یاد کردند. چنانکه اسکاج پل که پیش از این در کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی»، ارادی بودن وقوع انقلاب را مردود می‌دانست و معتقد بود «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه به وجود می‌آیند» و اینگونه نتیجه می‌گرفت که انقلاب ربطی به تصمیم آگاهانه افراد ندارد و این تلاقی تصادفی سه شرط وقوع انقلاب یعنی بحران سیاسی دولت، شورش از پایین و مشارکت نخبگان حاشیه‌ای است که باعث وقوع انقلاب می‌شود. از آنچه ادعا می‌کرد کوتاه آمد و انقلاب ایران را استثنایی در این مقایسه دانست.

وی در مقاله‌ای که در سال ۱۹۸۲م با عنوان «دولت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» منتشر کرد، به آشکار بودن نقش اراده، آگاهی، رهبر و اندیشه در انقلاب اسلامی اشاره کرده و می‌گوید: «اگر در واقع بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمده و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده‌ای ساخته شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد، به طور قطع آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. انقلاب آن‌ها صرفاً نیامد، بلکه به صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد. این انقلاب قابل توجه، همچنین مرادوار می‌سازد تا به درک خود در قبال نقش بالقوه و محتمل سیستم‌های عقاید و ادراک‌های فرهنگی در شکل بخشیدن به کنش‌های سیاسی، عمق و وسعت بیشتری ببخشم. این انقلاب مطمئناً شرایط یک انقلاب اجتماعی را داراست. با این توصیف وقوع آن، به ویژه در جهت وقایعی که منجر به سقوط شاه شدند، انتظارات مربوط به علل انقلاب‌ها را که من قبلاً در تحقیق تطبیقی تاریخی‌ام در مورد انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین تکامل و توسعه بخشیده‌ام زیر سؤال برد.»

واقعیت آن است تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، غالب نظریه‌پردازان در بررسی دلایل شکل‌گیری انقلاب‌ها پس از بررسی نمونه‌های متنوعی از این تحولات نظیر انقلاب فرانسه، روسیه، چین و نیز انقلاب‌های ضداستعماری قرن بیستم، می‌کوشیدند با یافتن وجوه مشترکی در همه آنها و سپس تعمیم آن‌ها، به الگویی همه‌شمول در خصوص آن دست یافته و سپس اینگونه ادعا کنند که می‌توان با مراجعه به این الگو هر گونه حرکتی را که قرار است در قالب انقلاب رخ دهد از قبل پیش بینی کرد حال آنکه وقوع انقلاب اسلامی نشان داد بخش عمده‌ای از آنچه در این گستره رخ داد نشأت گرفته از رجعت و بازگشت جامعه به اصالت دینی و فرهنگی آنها بود و گر نه کاملاً پدیداست به دلیل همراهی توده‌های مختلف مردم در ایجاد انقلاب ۵۷ این مهم را نمی‌توان به گروه بالانشین و پایین نشین یا صاحبان اندیشه‌های خرد یا کلان نسبت داد. انقلاب اسلامی برخاسته از اراده مستمر جمعی و تبلور آگاهی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی است.

انقلاب اسلامی در پی آن است تا با بازنمایی جلوه‌های غبار گرفته فرهنگ اسلامی، به درک نسل جوانی حقیقت با مفاهیم مغفول مانده اخلاق و مضامین ارزش‌های دینی کمک نماید. به همین دلیل است که پس از شکل‌گیری انقلاب مفهومی که از فرهنگ استنباط می‌شود، به معنای فرهنگ نفع‌گرفته که با باورهای دینی است. چنانکه رهبر انقلاب نیز در تبیین این موضوع می‌فرماید: «هر جامی گوئیم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی؛ فرهنگ این است. این جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به وجود آمد، ما خوشحال بشویم که به فرهنگ پیشرفت کرده‌اند، نه پیشرفت فرهنگ و تکیه روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزش‌های انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما - به عنوان سربازان این انقلاب - است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب کار کنیم.»

در این معنا انقلاب، علاوه بر آنکه به معنای تحول درونی در چگونگی اندیشیدن به رخدادها پیرامون فرد و جامعه تلقی می‌گردد تلاشی است برای احیای داشته‌های گم شده، بازگشتی است به سوی هویت خودی و جدایی از قید و بند هرگونه غیر خودی است. انقلاب اسلامی را علاوه بر نگاه متصفانه امروز باید در ظرف زمانی خود نیز سنجد تا از رای تحولات مؤثر بر آن بهتر بتوان ساختار فرهنگی آن دوره زمانی را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

راهکار توسعه گفتمان انقلاب چیست؟

ساحل عباسی

باشند و اجازه خودکفایی و از استقلال در تمامی عرصه‌ها برخوردار باشند، می‌توانند دست به فعالیتهای مؤثر بزنند. هنگامی که یک ملت خودکفا نبوده و تحت استعمار و استثمار هستند، در رکود و نخوت به سر می‌برند و تحول، خودکفایی و دگرگونی از آن جامعه رخت بر می‌بندد. اما زمانی که ما در تفکر انمان انقلابی کردیم، می‌توانیم بر جامعه هم اثر گذار باشیم. یکی از مهمترین شاخصهایی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد، بیداری مردم و آگاهی به حقی بود که توسط رژیم پهلوی از آنها ضایع می‌شد، بنابراین مردمی می‌توانستند در برابر رژیم پهلوی ایستادگی کنند که نسبت به حقوق خود آگاهی داشته و به آن واکنش نشان دهد. فردی که در درون خویش انقلابی برپا کرده است می‌تواند منجر به انقلابی هابی در سطح انقلاب اسلامی ایران شود. یکی از شاخصه‌هایی که در آن فضا مشاهده می‌شد و توانست دنیا را مهیوت عظمت انقلاب کند، معنویتی بود که توأمان با آگاهی و خردورزی بود، زیرا اول مردم در وجود خودشان تحولی بزرگ را ایجاد کرده بودند و با گفتن نه به حکومت پیشین، اثر بخشی خود را در دگرگونی اوضاعی که در آن گرفتار بودند، نشان دادند. پس می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای دانا محور باشد و تفکر، تعقل و بر اساس بیش حرکت کند، طبیعتاً جامعه‌ای رو به توسعه خواهد بود.

❖ به نظر شما راهکار توسعه گفتمان انقلاب چیست؟

اگر علمای دینی بتوانند مردم را بیش از پیش با اهداف متعالی انقلاب اسلامی آشنا کنند، می‌توانیم آموزه‌های اصیل انقلاب سال ۵۷ را به مردم و بویژه جوانان بازآموزی کنیم. توجه به تدریس و ترویج در آموزش بسیار مهم است. در حوزه تدریس می‌بایست به این مسأله توجه شود که انسان رایانه یا جعبه‌ای نیست که صرفاً یک سری آموزش به او داده زبان یاد گرفته تا در حافظه‌اش باقی بماند و ذهن او را از داده‌ها و اطلاعات پر شود، بلکه اصلی‌ترین هدف علمی آموزی و انتقال دانش اثرگذاری بر فعالیتهای فرد و تغییر نوع نگاه انسانها به زندگی است. بنابراین هدف تدریس تأثیرگذاری بر عملکرد فکری افراد است، اما در ترویج ما می‌توانیم سبک زندگی ایرانی اسلامی را که با دانش آگاهی و خردورزی گره خورده، از طریق آموزه‌های دینی به مردم انتقال دهیم. بنابراین علم را باید به زحمت اصلی تدریس و بیداری اسلامی که حاصل از ترویج و افزایش آگاهی مردم دیگر کشورها از نتایج عظیم پیروزی مردم در انقلاب اسلامی ایران بود.



عظیم مردمی در حمایت از پیروزی انقلاب اسلامی که در سالهای قبل از انقلاب شاهد بودیم و مردم به سطحی از آگاهی و دانش رسیده بودند که می‌خواستند انتخاب آگاهانه‌ای داشته باشند. بی‌گمان هیچ جامعه‌ای تمایل به داشتن شهروندان ناآگاه و عاری از دانش ندارد، بنابراین مردم و مسؤولان می‌بایست به سمت خودآگاهی و دانش و خردورزی حرکت کنند.

❖ در توسعه اجتماعی و فرهنگی جامعه چه عواملی دخالت دارند؟

توسعه در هر جامعه‌ای متناسب با سطح فرهنگی اقتصادی و... رخ می‌دهد، به نظر می‌رسد با توسعه اقتصادی و فرهنگی بتوانیم جامعه را به سمت متعالی شدن سوق دهیم. همچنین یکی از مهمترین شاخصهای توسعه در جامعه‌ای توجه به فرهنگ آن جامعه است، اگر جامعه‌ای به لحاظ سیاسی یا اقتصادی بسیار توسعه یافته باشد، اما به لحاظ فرهنگی از رشد و شکوفایی خاصی برخوردار نباشد، نمی‌توان ادعا نمود که به جامعه‌ای متعالی دست یافته ایم. مسلماً تلفیقی از توسعه اقتصادی فرهنگی علمی و سیاسی می‌تواند منجر به توسعه مناسب در هر جامعه‌ای شود. و بارزترین و عمده‌ترین دلایلی که می‌تواند به توسعه در جامعه کمک کند و موجب پویایی و تحرک و نشاط اجتماعی مردم شود، بیداری و آگاهی است، هنگامی که انسانها به حقوق خود آشنا

❖ این دانش و آگاهی چگونه به جامعه منتقل می‌شود و پویایی دانی‌ای را در جامعه بسط می‌دهد؟

گفت و گو یکی از بهترین راه‌های ارتباطی خانوادگی است. اگر افراد درون خانواده جلساتی برای بلند خوانی جمع خوانی داشته باشند و بتوانند برای هم کتاب بخوانند یا جدیدترین اخبار و دانش روز را به یکدیگر آموزش دهند، بی‌گمان اولین محصول جمع خوانی علاقه‌مندی به مطالعه است. اگر بتوانیم گوشه‌ای از منزل را به محلی خاص مطالعه و تفکر قرار دهیم، رغبت و میل به مطالعه در افراد افزایش می‌یابد. طبیعتاً افراد به آگاهی و تعقل ورزی گرایش نشان می‌دهند و به سمت آگاهی و بیداری حرکت می‌کنند، همان رفتاری که مردم قبل از انقلاب در حسینیه‌ها و مساجد از بزرگان دینی آموختند و از درسهای آگاهی بخش علما و متدینان استفاده نموده و در خود آگاهی و بیداری را به وجود آوردند. بی‌گمان هنگامی که تک فردی آگاه می‌شود و دانش و اطلاعات خود را گسترش می‌دهد، این دانش و آگاهی را به جامعه نیز منتقل می‌کند و پویایی دانی‌ای را در جامعه بسط می‌دهد. هنگامی که تک افراد به آگاهی صحیح دست بیابند و از دانش خود استفاده کنند، جریان تمدن ساز و آگاهی ساز اجتماعی آغاز می‌شود و حرکت‌های بزرگ و انقلابی در جهت محو ظلم افزایش می‌یابد، همانند حرکت‌های

انقلاب اسلامی ایران محصول خودباوری و آگاهی مردم نسبت به مسایل پیرامون خود بود. یکی از مواردی که دین مبین اسلام از آغاز رسالت نبی اکرم (ص) همواره بر آن تأکید داشته، توجه به آگاهی و دانش و خردورزی در آنچه در اطرافمان می‌گذرد، است. دانشی که به آگاهی ختم گشته و در نهایت به عبرت آموزی و انتخاب راه درست و شناختن حق از باطل منتهی شود، می‌تواند در زندگی تک تک افراد جامعه تحولی عظیم به وجود آورد.

پیروزی انقلاب اسلامی مروهون آگاهی بخشی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) بود که با آگاهی بخشی به خانواده‌ها توانستند رژیم منخط پهلوی را از حکومت ساقط کرده و بیداری اسلامی و زندگی توأم با آگاهی را جایگزین استعمار و استثمار کنند.

❖ تفکر انتقادی داشتن و توسعه دانی‌ای در افراد چقدر در پیشبرد اهداف انقلاب و ایجاد بستر برای پیروزی انقلاب اسلامی مؤثر بوده است؟

آگاهی مسأله‌ای است که از دیر باز مورد توجه ادیان آسمانی و الهی و مورد تأکید و تأیید همه پیامبران و اولیای الهی و همه مراجع و دانشمندان اسلامی و غیراسلامی بوده است. زیرا اگر نتوانیم دانی‌ای، تعقل ورزی و آگاهی را در جامعه گسترش دهیم، طبیعتاً نمی‌توانیم از جامعه متعبدی برخوردار باشیم. آگاه بودن و اهتمام به فراگیری دانش باید از جایی آغاز شود. گاهی اوقات ذات فرد ناخودآگاه کنجکاو است و به دنبال تفکر انتقادی است، اما در برخی از افراد می‌بایست با آگاهی بخشی تفکر انتقادی و تعقل ورزی و حساسیت ورزی به اطراف و پیرامون زندگی آموزش داده شود. بی‌گمان اولین مکانی که شخصیت فرد در آن شکل می‌گیرد، نهاد خانواده است. اگر والدین از اطلاعات آگاهی و دانش برخوردار باشند، می‌توانند فرزندان آگاه و دانشمندی داشته باشند. منظور از دانشمند بودن، توسعه دادن دانی‌ای در افراد است. آن تعریف خاصی که به ذهن افراد خطور می‌کند. توسعه دانی‌ای در فرد به این معناست که آدمی دایم دانش و اطلاعات خود را کارآمد و روزانه گسترش و توسعه دهد و از دانش و اطلاعات خویش در تمامی عرصه‌های زندگی استفاده کند. پس خانواده می‌تواند موجب خردورزی فرزندان شود، همان رفتاری که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در خانواده‌ها دیده می‌شد که با آگاهی دهی به فرزندان و تشریح اوضاع زمانه، توانستند به لحاظ ذهنی فرزندان را برای مبارزه با رژیم پهلوی آماده کنند.



دکتر جواد منصوروی:

انقلاب اسلامی ایران جهان را تغییر خواهد داد

مهدی مجیدی: «ده فجر مناسب ترین زمان برای واکاوی عملکرد گذشته با توجه به ضرورت‌های انقلاب اسلامی است.» این مطلب را قائم مقام مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سومین نشست تخصصی بررسی نقش و عملکرد فرهنگیان مشهد در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که به همت مدیریت اسناد آستان قدس رضوی در بنیاد پژوهش‌های آستان قدس بر گزار شده بود عنوان کرد.

دکتر جواد منصوروی در این نشست به چرایی، چگونگی، اهداف، دستاوردها و ویژگی‌های انقلاب اسلامی ۵۷ و ضرورت پرداختن به این موضوعات از سوی پژوهشگران پرداخت و گفت: با بیان اینکه انقلاب

اسلامی مادی و اقتصادی نیست و نخواهد بود، گستره آثار و پیامدهای آن را جهانی عنوان کرد و افزود: معتقدم خداوند حضرت امام را حمایت و هدایت کرد؛ انقلاب را به پیروزی رساند تا تاریخ بشریت را تغییر دهد؛ به همین سبب نباید انقلاب را در چهار چوب مرزهای داخلی تحلیل نمود.

وی به سخن نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا که گفته بود «امریکا سرانجام به سر نوشت امپراتوری روم دچار خواهد شد» اشاره کرد و افزود: کتابهای زیادی در ارتباط با اضمحلال و افول تمدن غرب بویژه آمریکا از سوی نویسندگان غربی نوشته شده که در این آثار به نقش چین و انقلاب اسلامی ایران در تغییر معادلات جهانی و اثر گذاری این دو کشور در غروب اندیشه‌ها و سقوط آن اشاره شده است.

منصوروی افزود: متأسفانه برخی در تحلیل نقش و دستاوردهای انقلاب سعی می کنند پیامدهای آن را در محدوده مرزهای داخلی محدود کرده و در نتیجه گیری مشکلات و محدودیتها را برجسته کنند.

وی به تأثیرگذارترین دستاورد جهانی انقلاب اشاره کرد و گفت: شعار گسترش نیل تافرات از اعتقادات رژیم صهیونیستی از بدو تاسیس تا کنون بوده و بارها سران این رژیم اعتراف کردند که انقلاب ایران آرزویشان را تغییر داده است.

دکتر منصوروی به معرفی یکی از آثار خود با عنوان «چالشهای ایران و آمریکا» پرداخت و مخاطبان را به شناخت بیشتر از دستاوردها و چشم اندازهای انقلاب ایران ارجاع داد. نخستین فرمانده سپاه انقلاب اسلامی افزود: این کتاب مهم ترین چالش‌های دو نظام متفاوت و متعارض (اسلام و لیبرال سرمایه‌داری) در قالب دو دولت ایران و آمریکا را با دیدگاهی واقع‌بینانه و سه دور از تحلیل‌های افراطی و با ساده‌انگاری مورد بحث قرار داده است.

این فعال و مبارز انقلابی با ذکر خاطراتی از دوران مبارزاتی خود در جمع بندی نهایی گفت: پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تنها سقوط یک رژیم فاسد و وابسته نبود، بلکه مقدمه فروریختن پایه‌های سلطه استعمار غرب در جهان اسلام سپس در مناطق دیگر شد. از این رو چالش‌های ایران و آمریکا بیش از پیش به موضوعی بین‌المللی، دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک تبدیل شده است.

دکتر منصوروی گفت: اگر چه تحولات چند دهه گذشته بسیاری از ساختارها را دگرگون کرد، ولی با شناخت عمیق روند تحولات و دلایل آن، به این نتیجه می‌رسیم که تغییرات بزرگ‌تر و مهم‌تر در راه است.

وی در پایان گفت: اگر دشمنان انقلاب اسلامی در هدفهای مورد نظر خود به نتیجه برسند آرزوی ۱۵۰ ساله انگلستان مبنی بر تجزیه ایران اتفاق خواهد افتاد و معتقدم این موضوع هرگز محقق نخواهد شد.

در ادامه عقدایی از مبارزان دوران پیش از انقلاب، به چگونگی تشکیل جامعه فرهنگیان مشهد و انگیزه‌های اعتقادی این تشکل اشاره کرد و افزود: جامعه فرهنگیان مشهد ابتدا گروههای خودجوش و پراکنده‌ای بودند که همه با باورهای قلبی به رهبری حضرت امام و نقش راهبردی ایشان در چشم انداز پیروزی انقلاب حرکت کردند و سپس با رهنمودهای افرادی چون مقام معظم رهبری، شهید هاشمی نژاد و آیت‌... واعظ طیبسی با تشکیل جلساتی در منزل این بزرگان شکل منسجم تری به خود گرفت.

وی افزود: با تشکل یافتن این گروه‌های پراکنده، برنامه ریزی‌ها در مسجد کرامت صورت می گرفت و مسیر راهپیمایی‌ها و انتخاب شعارها در مسجد بناها در دست جامعه فرهنگیان بود. صابری فر از دیگر فعالان و مبارزان دوران پیش از انقلاب نیز در ادامه به خاطرات خود و هم‌زمانش و چگونگی حرکت آنان از مشهد به سوی تهران در مراسم استقبال از ورود امام خمینی به ایران در ۱۲ فروردین ۵۷ پرداخت.

وی گفت: حرکت فرهنگیان از مشهد به سوی تهران به منظور استقبال از حضرت امام با حضور آیت‌...، مرعشی و شهید صبوری صورت گرفت. به گونه‌ای برنامه ریزی شده بود که زمان استقبال را بدون وقفه در فرودگاه مهرآباد باشیم که در میان راه از طریق رادیو مطلع شدیم ورود امام به ایران با تأخیر مواجه شده، پیش‌بینی‌ها را نادانستیم به دروازه تهران که رسیدیم عده‌ای که از حضور ما به منظور استقبال از امام مطلع شده بودند جلو ما را گرفتند و یک شب را در مسجد لرزاده تهران که مسجدی قدیمی بود ماندیم و آنان بخوبی با ما پذیرایی کردند.

صابری فر به راهپیمایی روز قبل جامعه فرهنگیان در تهران اشاره کرد و گفت: جامعه فرهنگیان مشهد با این شعار که «اگر امام فردا نیاد مسلسل از مشهد میاد» با راهپیمایی خودجوش به سمت میدان آزادی حرکت کردند که مردم تهران زن و مرد به ما ملحق شدند و حضوری تاریخی را در لحظه‌های ورود امام به خاک ایران خلق کردند.

گروه فرهنگی – اعظم طبرانی:

برخی از تحلیلگران در جمع بندی علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی عقیده دارند عوامل فرهنگی، مهمترین عامل شکل گیری انقلاب اسلامی بوده است.

باید به این نکته توجه کرد که علل فرهنگی تنها دلایل وقوع این انقلاب نبوده‌اند، بلکه جزو مهمترین دلایل بوده‌اند.

مایکل فیشر در کتاب «ایران از اختلاف مذهبی تا انقلاب» به این نکته اشاره می‌کند که هر چند علل انقلاب، اقتصادی و سیاسی بود، اما در مقابل، شکل انقلاب و محل وقوع آن تا حد زیادی نتیجه سنت مذهبی اعتراض بود.

نیکی. آر. کدی نیز در کتاب «پیشه‌های انقلاب» به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی و در عین حال تأثیر منفی آن بر گروه‌های مختلف اجتماعی از یک سو و سرکوب گروه‌های سیاسی و فقدان آزادی از سوی رژیم‌ساز انقلاب بودند، اما در عین حال تحول در اندیشه انقلابی و رادیکال که تشیع آن را به صورت جهان بینی مطرح کرده، از علل اصلی شکل گیری انقلاب بوده است.»

تأملی در مطالبات مردم در جریان مبارزات مردمی از خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ نیز نشان می‌دهد که در مجموع، عوامل فرهنگی بیشترین مطالبات مردم را در بر گرفته است. به اعتقاد رحیم نیکبخت، هدف اصلی انقلاب، احیای فرهنگ ایرانی – اسلامی بود و رمز پیروزی انقلاب نیز در توجه به این نکته است. در ادامه، گفت و گوی ما با این عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز و پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی را می‌خوانید.

❖ نقش عوامل فرهنگی در پیروزی انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای ارزیابی نقش فرهنگ در پیروزی انقلاب اسلامی از دو دیدگاه می‌توان به این موضوع پرداخت. نخست از منظر فرهنگ حاکم بر جامعه ایران، دوم فعالیت‌های فرهنگی که نیروهای مذهبی برای حل نشدن در فرهنگ غرب‌زده پهلوی انجام می‌دادند. یعنی از یک طرف باید فرهنگ حاکم بر جامعه را بررسی کنیم و از سویی دیگر به فرهنگی که نیروهای مذهبی و انقلابی که حضرت امام (ره) منادی آن بودند، پردازیم.

با روی کار آمدن سلطنت پهلوی، یک شیوع انحطاط فرهنگی در ایران شروع شد و به طور گسترده تجدید و غربی شدن تبلیغ می‌شد که ایرانی باید از فرق سر تا تک پا غربی شود تا جایی که حتی دایره این تغییرات در حال تسری به الفبا و نوشتن هم بود که خوشبختانه موفق نشدند.

در کنار تجدید غربی، مبارزه با فرهنگ اصیل اسلامی نیز آغاز شده بود، از این رو، بحث مبارزه با حجاب اسلامی در سطح کشور و همچنین مبارزه با جایگاه و روحانیت و اختیاراتی که روحانیت در اختیار داشتند، بشدت دنبال می‌شد. در چنین شرایطی پس از شهریور سال

در گفت و گو بایک پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی عنوان شد

هدف اصلی انقلاب احیای فرهنگ ایرانی – اسلامی بود



۱۳۲۰ یک حرکت گسترده از سوی نیروهای مذهبی و در رأس آنها حوزه‌های علمیه بویژه حوزه علمیه قم آغاز شد و جامعه روحانیت کوشیدند حرکت‌های منحط غربی را در حوزه باورهای دینی پاسخ دهند. جلساتی که با کسبه گذاشته شد و نوشته‌هایی که در این خصوص تدوین گردید، از فعالیت‌های قابل توجه روحانیت در این زمینه بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد نیز محمدرضا پهلوی کم کم بر اوضاع تسلط یافت و در قالب پادشاهی دیکتاتور ظاهر شد که توانست طی ۱۵ خرداد با سرکوب مردم و انقلابی، قدرت خود را تثبیت و پایه‌های حکومتش را محکم کند. در همین دوره، تاریخ شاهد گسترش فرهنگ غربی از سوی صهیونیسم در لایه‌های



مختلف جامعه ایران بوده است که ایسن غربگرایی در حوزه‌های مختلف فرهنگی از جمله سینما، هنر، موسیقی و هویدا شده بود، اما در مقابل نیروهای مذهبی و جریانهای دینی نیز فعالیت‌های خود را شروع کردند و توانستند کانون‌هایی در سطح کشور ایجاد کنند. در تاریخ انقلاب اسلامی از یک سو هیأت‌های مذهبی فعال بودند و از سویی دیگر مساجد از کانون‌های فرهنگی بسیار فعال در بین مردم مذهبی و انقلابی محسوب می‌شد و طی دوره ای که حضرت امام (ره) در تبعید بودند، شاگردان ایشان رسالت مهمی را بر عهده گرفته بودند و با سخنرانی‌های مختلف و برنامه‌های گوناگون فرهنگی توانستند روحیه انقلابی را در بین مردم گسترش دهند که سرانجام منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد.

❖ وضع فرهنگی در دوره پهلوی دوم با دوره رضا خانی چه تفاوتی داشت؟

تشکیلات ساواک از حزب توده حضور داشتند، بنابراین در امور فرهنگی (بویژه طی دهه آخر حکومت پهلوی) بیشتر گرداننده‌های فرهنگی حکومت عناصر چپی بودند.

❖ مبانی فکری چه گروه‌هایی از جامعه در برابر تفکر فرهنگی رژیم پهلوی براحتی استحال می‌شد و رنگ می‌باخت؟

وقتی بحث نوسازی در سطح کشور صورت گرفت، روستاها خراب شدند و اصلاحات ارضی موجب شد روستاییان به شهرها مهاجرت کنند که این مسأله آسیبهای اجتماعی و فرهنگی متعددی برای این قشر به همراه داشت، همچنین برخی افرادی که در معرض فعالیت‌های فرهنگی (دانشگاه‌ها، مراکز علمی و فرهنگی) قرار می‌گرفتند، درگیر برنامه‌های به اصطلاح فرهنگی حکومت پهلوی می‌شدند و در صورتی که اصالت خانوادگی و فرهنگی نداشتند، به راحتی در این چنبره گرفتار می‌شدند.

❖ نقش نظام دینی، مساجد و تکایا در حفظ تفکر دینی و فرهنگ اصیل ایرانی – اسلامی چقدر بود؟

مهمترین عاملی که جامعه ایرانی را حفظ کرد و اجازه نداد جامعه در فرهنگ منحط غرب ضعیف شود، باورهای دینی و ساختار مذهبی مردم ایران بود. گرچه طی دوره رضاشاه، دین با سختی‌های زیادی مواجه بود و محدودیت‌های مذهبی بی شماری بر ملت ایران حاکم بود، اما با این حال مردم متدین و مذهبی ایران توانستند با استفاده از کانون‌های فرهنگی مساجد و تکایا به فعالیت‌های خود ادامه دهند و همین مسأله توانست جامعه ایرانی را از انحطاط کامل نجات دهد و در نهایت پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد.

❖ با توجه به اینکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مشکلات اقتصادی و سیاسی نیز بر جامعه ایران حاکم بود، به نظر شما نقش کدام یک از مسایل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در پیروزی انقلاب بیشتر بود؟

مهمترین عاملی که موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد، باورهای دینی مردم ایران بود. درست است که به لحاظ اقتصادی، مشکلاتی در سطح جامعه حاکم بود، اما مسایل فرهنگی تعیین کننده‌های روند انقلاب اسلامی بود که عامل پیروزی انقلاب شد.

❖ امام خمینی (ره) بیش از همه اصلاح کدام یک از مسایل فرهنگی را برای دستیابی به آرمانهای انقلاب لازم می‌دانستند؟

با توجه به تأکید که حضرت امام (ره) بر فعالیت فرهنگی روحانیون داشتند، تأکید می‌کردند که روحانیت و وظیفه خود را درست انجام دهند تا جامعه را با دین و اسلام آشنا کنند و این مهم بسیار قابل توجه است، چون حضرت امام (ره) همواره اعتقاد داشتند، «اگر مردم با وظایف دینی خود آشنا شوند، اصلاح جامعه کار دشواری نخواهد بود».

فیگارو مصاحبه امام را ۵۰۰ هزار تومان خرید



بروند. مصاحبه که تمام شد، خبرنگاران رفتند. چندی بعد در راز باز کردم و آنها نیز با عجله منزل و یا زندانشان را ترک کردند.

خبر آمد که خبرنگاران را در بغداد دستگیر کرده اند، ولی آنها نوارها را به صورتی رد کرده بودند.

به دنبال این کار، مسأله بر خورد عراق با امام و دست اندر کاران این گونه کارها بسیار تند و خشن شد و دیری نپایید که امام راهی کویت شدند و سپس به فرانسه عزیمت کردند.

دولت فرانسه مصاحبه امام را ممنوع الانتشار اعلام کرد و به هیچ کس اجازه مصاحبه نداد. هنوز مصاحبه‌ای که رادیو- تلویزیون فرانسه با امام انجام داده بود، منتشر نشده بود، روزی دیدم آن مصاحبه در روزنامه فیگارو به

گذاشته شد که در کوچه‌ای از دورافتاده ترین کوچه های نجف با خبرنگاران ملاقات و از آنها خواسته شود که از دیگر منزل امام که تقریباً آزاد بود، وارد شوند. آنها دستگاه‌های فیلمبرداری خود را در خیابان گذاشته بودند که به دلیل سنگینی بار ناچار می‌بایست از خیابان اصلی آورده می‌شد.

پس از انتقال دستگاه‌های فیلمبرداری به منزل و اطلاع مأموران از این مسأله، دیری نپایید که در خانه به صدا درآمد و چند تن از مأموران وارد منزل شدند و می‌خواستند مانع ایجاد مصاحبه شوند. پس از ورود آنها، در منزل را به رویشان قفل کردم.

آنها تازه متوجه شدند که در منزل ما زندانی شده اند و هیچ کاری از آنها ساخته نیست. هر چه کردند، نگذاشتم

چاپ رسیده است و بعدها شنیدم فیگارو این مصاحبه را معادل پانصد هزار تومان از رادیو- تلویزیون خریداری کرده است.

شروع مصاحبه‌های امام هم داستانی شنیدنی دارد. شروع مصاحبه‌ها به صورت مذاکرات انجام گرفت؛ بدین صورت که سؤال و جوابی نبود، بلکه سردبیر لوموند می‌فیگارو و یا دیگران خدمت امام می‌رسیدند و صحبت‌هایشان را با امام منتشر می‌کردند و خودشان می‌گفتند، این آن چیزی نیست که دولت ممنوع اعلام کرده است. تا افکار عمومی مردم فرانسه به صورتی درآمد که دولت فرانسه ناچار از آزادی مصاحبه‌ها شد.

امام در بخشی از این مصاحبه می‌گویند: "مهلت با برقراری شاه و باز بودن دست چپ‌الوگران رژیم، جز اغفال ملت نیست، و هر طریحی با بودن شاه و رژیم، قابل قبول ما و ملت نیست، و ما با بودن این دودمان، آزادی و استقلال را با مهلت و بی مهلت به دست نخواهیم آورد و پیروزی آن موقع میسر است که دست خارجی و آثانی که به خارجی کمک می‌کنند- که در رأس آنان شاه است- قطع شود".

ایشان در بخشی از این گفت و گوی خود با اشاره به حمایت‌های آمریکا از کشتار مردم ایران اظهار می‌دارند: همه شاهد قتل عام‌های مکرر دسته جمعی در بسیاری از شهرستانهای ایران که به دست شاه صورت گرفت، بودیم. و اخیراً تهران شاهد قتل عامی وسیع از طرف شاه بود که به حسب مشهور، تعداد کشته شدگان به بیش از چهار هزار نفر رسید.

آقای کارتر که برای یک زندانی در شوروی آن قدر هیاهو در آورد، پس از کشتارهای بی‌پایه شاه، پشتیبانی خود را از او دریغ نکرد و رئیس دولت چین پس از دیدارش از ایران که شاه از ترس قیام مردم نتوانست او را از خیابانها عبور دهد، شاه را که عامل تمام کشتارهای ایران است، مورد حمایت خود قرار داد و رؤسای کرم‌لین هم مانند اینها هستند.

آمریکا و سایر کشورهای استعمارگر، هدفی جز عقب نگه داشتن تمام کشورهای ضعیف در تمامی ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی ندارند و برای بر خورداری از مخازن و منابع ما و سایر کشورهای عقب افتاده نقشی جز این نمی‌توانند داشته باشند و این است منشأ تمام فشارها در تمامی ابعاد به ما.

(صحیفه امام، ج ۲، ص: ۴۶۶-۴۷۲)



یادشهیید «طیب حاج رضایی» در خاطر تهران جاودانه است

قصه حر انقلاب



گروه فرهنگی-زه ره کهندل: لوطی میدان خراسان و میدان بار تهران بود. می‌گفتند، پایتخت، دوتا شاه دارد، یکی شاه کاخ نشین شمال و یکی هم حامی مظلومان در جنوب شهر.

قدیمی‌های تهران، خاطرات طیب را به یاد دارند، او که از سوی امام خمینی (ره) به حر انقلاب ملقب شد. در گفت‌وگو با «بیزن حاج رضایی»، پسر شهید طیب حاج رضایی، به خاطرات چندین دهه پیش برگشتیم، روزهایی که گرقه‌های انقلابی در بین مردم زده شد.

برخی از تحول در زندگی پدرتان صحبت می‌کردند، آیا طیب، دچار تحول فکری شده بود؟ اینکه می‌گویند طیب دو مرحله زندگی داشته، یکی دوران جاهلیت بوده و دیگری بعد از اسلام، مهمل است. پدرم از ۱۸ سالگی در عزاداری امام حسین (ع) شرکت می‌کرد، پس دوران جاهلیتی نداشسته است. البته در تهران آن روز، درگیری اجتناب‌ناپذیر بود، بویژه اینکه در جنوب شهر تهران ساکن باشید، منطقه‌ای که در آن درگیری طبیعی بود و پلیس هم چندان زور نداشت. می‌گویند، در ماجرای ۲۸ مرداد، طیب شاه دوست بود، در حالی که اصلاً چنین چیزی نیست. آن زمان مسأله ارادت به شاه، از مسایلی بود که تبلیغ می‌شد. ورود طیب در ماجرای ۲۸ مرداد به دستور آیت‌ا... کاشانی و دیگر بزرگان بود تا اجازه ندهند که چپی‌ها، کمونیست‌ها و بعضی ملیون خودفروخته، کشور را به هرج و مرج بکشاند. این ماجرا منتج به بازگشت شاه به کشور شد، ولی این نبود که طیب از شاه طرفداری کرده باشد یا پولی از دربار گرفته باشد. در هیچ جای تاریخ نوشته که قرانی به طیب برای ماجرای ۲۸ مرداد، داده باشند. برخی می‌گویند که پولهایی رد و بدل شده، اما این پولهایی در سطوح پایین‌تر نبوده است. مطمئن باشید هیچ کس به خاطر پول، خودش را به کشتن نمی‌دهد.

در ۲۸ مرداد عده‌ای غیر نظامی در مقابل نظامیان تا دندان مسلح ایستادند. آن زمان اختلاف بین مصدق و آیت‌ا... کاشانی پیش آمده بود. مصدق به سمت کمونیست‌ها گرایش پیدا کرده بود و خطرهایی وجود داشت که کشور از نظام اسلامی خارج شود و به دست روسها بیفتد. آیت‌ا... کاشانی در ۲۵ مرداد به طیب تکلیف کرد که این اقدام باید انجام شود. شاه به ایران برگشت و شبی که ادمه‌های شعبان جعفری، خانه مصدق را خراب کردند، یعنی شب ۲۸ مرداد، پدر من دستگیر شد و او را به زندان قصر بردند. حدود ۱۰ ماه زندان بدون دادرسی را گذراند و در اواخر تیرماه سال بعد که شاه باز دیدی از زندان داشت، پدرم را دید و ازش پرسید: طیب‌خان، اینجا چکار می‌کنی؟ مرحوم پدرم جواب داد: ما گفتیم، زنده باد شاه، ما را به زندان انداختند، اگر چنین دیگری می‌گفتیم، معلوم نبود چه می‌شد! پدرم بعد از سه روز آزاد می‌شود. ورود به ماجرای ۲۸ مرداد، وظیفه و تکلیفی بود که به دستور آیت‌ا... کاشانی و دیگر علمای وقت انجام داد. پدرم مقلد مرحوم آیت‌ا... بروجردی بود و ارادت ویژه‌ای به ایشان داشت. سال ۳۵ که ساواک تشکیل شد، مردم به پدرم گزارش دادند که داره به آنها ظلم می‌شود، پدرم در راستای حفظ منافع مردم مقابل رژیم ایستاد. سال ۴۲ ثابت شد که خط طیب چیست. اینکه زندگی طیب در مرحله‌ای بود، چنین نبود.

❖ دلیل اینکه سه حر انقلاب ملقب شد، چه بود؟

این لقبی بود که حضرت امام خمینی (ره) به طیب داد. بعد از قیام ۱۵ خرداد که دستگیر شد، از او

تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۲۳، به دلیل وجود جریانهای سیاسی قوی، فعالیت‌های احزاب و همچنین تسخیر برخی از مناطق ایران توسط روسیه و انگلیس و نیز جوانی و بی‌تجربگی شاه جدید، برنامه‌های نظامی حکومت پهلوی کمتر به چشم می‌خورد، ولی پس از آن شرایط به کلی دگرگون شد و سلطنت پهلوی پسر مامیت خودش را به همگان نشان داد.

دهه ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ مصادف است با تثبیت قدرت نظامی محمدرضا شاه و رویاری وی با جریانهایی از جمله جبهه ملی و حزب توده که دستور عدم فعالیت این دو حزب به‌وسیله محمدرضا شاه صادر شد و بسیاری از شخصیت‌های بارز این احزاب، از جمله دکتر مصدق و دکتر فاطمی، با خانه‌نشین شدند تا محکوم به اعدام. در حوادث ۱۵ خرداد ۴۲، اوپسی با تظاهر کنندگان ۱۵ خرداد با شدت هر چه تمام‌تر برخورد کرد، چنان که بسیاری به راه انداخت که در صد سال اخیر ایران، بی‌سابقه بود.

پس از تصویب کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی، رساترین صدا از حضرت امام خمینی (ره) شنیده می‌شد که این صدا حضور مردم را به عنوان پشتیبان روحانیت به‌همراه داشت.

این مخالفت‌ها به تبعید امام به ترکیه منجر شد. اقدام‌های نظامی سلطنت پهلوی به‌صورت گسترده پس از تبعید حضرت امام شروع شد. ۲ پس از تبعید ایشان، مردم در اعتراض به این حرکت، به خیابان‌ها ریختند و مخالفت علنی خود را با حکومت پهلوی ابراز داشتند. سلطنت پهلوی با شدت هر چه تمام‌تر با تظاهرات مردم مقابله کرد و واقعه خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به وجود آورد. ۳

می‌خواهند که رودروی آقای خمینی بنشینند و بگویند که شما به من پول دادی. فشار زیادی بهش آوردند، اما قبول نکرد، ولی بعد تصمیم گرفت که از این موقعیت به نفع اسلام استفاده کند. آن موقع امام میهمان یکی از بازاریان بودند، این دو را با هم رودرو می‌کنند. طیب وقتی امام را می‌بیند، با صدای بلند که همه بشوند، می‌گوید: مرد خدا، شما که سیدی به این بی‌دینها بگو من اصلاً شما را تا به حال دیده‌ام، چه پولی به من دادی، کی و کجا به من دستور دادی... طیب آنجا مغلظه می‌کند و به طور غیرمستقیم به امام می‌فهماند که او را برای اقرار به این صحنه آوردند. بعد که او را بیرون می‌آوردند، مأمور همراهش می‌گوید که طیب‌خان، گور خودت را کنی. او هم جواب می‌دهد: من ۴۰-۵۰ سال پیش در بندرعباس باید می‌مردم، حالا بخت با من همراه بوده و اینجا کارم تمام است. زمانی که از اتاق بیرون می‌آید، امام سسرش را بلند می‌کند و می‌گوید، برو جوان که خدا هر چه می‌خواهی به تو بدهد، تو حر دیگری برای اسلام هستی. آنجا حضرت امام لقب حر انقلاب را به طیب می‌دهد. یکی دیگر از علمای نجف نیز از طیب به عنوان آزاد مرد یاد می‌کند.

❖ حساسیت رژیم پهلوی نسبت به طیب از چه زمانی آغاز شد؟

قصای طولانی دارد. سال ۴۰ که شهردار تهران از میدان ری بازدید می‌کند، میان طیب و همراهمان شهردار برخوردی پیش می‌آید که مردم هم بیرون می‌ریزند و ماشین آنان را آتش می‌زنند. درگیری‌های از این دست بار رژیم داشت. آن زمان می‌گفتند که در تهران دو تا شاه هست، یکی شاهی که در کاخ شمال شهر نشسته بود و دیگری شاهی که در جنوب شهر، با ظلم مقابله می‌کرد



و طیب‌خان بود.

❖ بارفتارهایی که طیب نسبت به حکومت پهلوی داشت، چه تهدیداتی از سوی رژیم می‌شد؟

از سال ۳۵ درگیری‌ها به‌طور جدی آغاز شد. در همان سالها به دستور آیت‌ا... بروجردی قبرستان جاوید بهابیت را آتش زدند. چند روز بعد شاه، طیب را خواست که چرا این کار را کردی. بسیاری از اطرافیان شاه بهایی بودند. طیب گفت که من این کار را نکردم، دستور آیت‌ا... بروجردی بود. بعد به شاه می‌گوید: اینها که دنیا ندارند، آخرت برای چه می‌خواهند؟! این اتفاق جرقه‌ای شد که بهاییان دربار مقابل طیب قرار بگیرند. سال ۳۸، ۳۹ با لشکر کشی به سمت کاخ شاه، نشان داد قدرتی در جنوب شهر تهران برای مقابله با ظلم وجود دارد. این جریانها به سال ۴۲ رسید که در آنجا با رژیم، تسویه حساب کامل کرد.

❖ پس شاهد یک تغییر نگاه و تحول در طیب نبودیم؟

بسیاری در این باره قلم زدند؛ هم چپی‌ها و هم ملیون، هر کدام هم به نفع خودشان نوشتند. پیام‌های امام به طیب نشان می‌دهد که در طیب، نگاه ظلم‌ستیز وجود داشته، اما از سال ۳۵ به بعد فرصت تجلی پیدا کرده است. او در تمام این مدت به دنبال احقاق حق مردم بود، نه اضافه کردن به مال و نفوذش. در همان سالها، شعبان جعفری با کارهایی که کرد، ۹ میلیون شد، هر جا می‌رفت، عکس شاه را می‌زد و به بهانه ورزش پول می‌گرفت، اما هزینه عیش و نوش خودش می‌کرد. زنان خارجی را به گود زورخانه می‌آورد، در حالیکه این کار با سنتهای آن زمان همخوانی نداشت. شعبان جعفری، حزب باد بود،

مدتی با توده‌ای دمخور شود، بعد رفت سراغ چپی‌ها، زمانی را در دفاع از ملیون گذراند و گاهی با مذهب‌یون بود. ناگهان هم شاه دوست شد. شعبان جعفری نه پهلوان بود و نه کسی او را قبول داشت.

❖ اقدام‌های طیب چقدر به حر کتهای انقلابی کمک کرد؟

آخرین نگاه طیب را در سال ۴۲، گلوله‌های رژیم شاهنشاهی جواب داد و فعالیت‌های طیب خاموش شد، اما تجمع‌ات اعتراضی به تحرکات، زیرزمینی تبدیل شد و ادامه پیدا کرد. بعد از سال ۵۰ هم، گروه‌های اسلامی فعالیت‌هایی داشتند، در حالی که چپی‌ها فقط تماشاچی ماجرا بودند.

❖ اخیراً فیلمی از زندگی طیب ساخته شد، دلیل مخالفت شما با پخش آن چه بود؟

سناریوی آن فیلم، اشتباه بود. کارگردان در آن فیلم می‌گوید که سال ۴۲ مادر پدرم در دادگاه‌ها دنبال طیب بوده است، در حالی که مادر بزرگم در سال ۳۶ به رحمت خدا رفت. در آن فیلم می‌گوید که ۱۸ خرداد ۴۲ پدرم را دستگیر کردند، مگر کسی در فصل گرام پالتو تنش می‌کند؟! کارگردان، سناریوی دروغی را به تصویر کشیده بود و ماجرا پخش آن را ننادیم. صحبت‌هایی با آقای فرج... سلحشور شده است که تحقیقاتی را انجام دهد و فیلم با سریالی برای طیب بسازد، البته هنوز در حد حرف است.

❖ وقتی خبر تیرباران پدرتان را به خانواده دادند، به یاد دارید بر شما گذشت؟

وقتی پدرم اعدام شد، من ۱۱ ساله بودم. در تمام دادگاه‌ها حضور داشتم و همراه پدرم بودم. باور نمی‌کردم که با دستور دادگاه، یک نفر را تیرباران می‌کنند. شبی که دادگاه قرار به رأی داشت، تا صبح جلوی در دادگاه که در میدان عشرت آباد بودیم، صبح که دادگاه تجدید نظر رأی داد، سه‌سه نفر حبس خوردند و یک نفر هم آزاد شد، فقط طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی محکوم به اعدام شدند.

درخواست دادخواهی دادیم که پذیرفته نشد و پدرم ۱۰ روز بعد، یعنی صبح ۱۱ خرداد سال ۴۲ اعدام شد. تمام آن شب را در یادگان هنگ زرهی (عباس آباد فعلی) گذراندم و تا صبح همان جا بودیم، اما خبری نشد. مأمور گیت که سپیده دم زده و کسی را، این موقع اعدام نمی‌کنند. من هم باور کردم و سریع امد کم خوش خبری را به خانواده بدم که پدرم اعدام نشده است. برگشتم خانه و خبر را دادم. آنقدر خسته بودم که به دیوار تکیه زدم و خوابیدم، با صدای گریه مادر بزرگ مادری‌ام، از خواب بیدار شدم، گفت که پدرت را اعدام کردند. چند دقیقه‌ای شوکه بودم و باور نمی‌کردم. خردم را به خیابان خراسان رساندم، خیلی شلوغ بود. آن زمان جنازه‌ها را به مسگر آباد می‌آوردند. باسبل آدم‌ها به سمت مسگر آباد ادهی شدم. جنازه پدرم و مرحوم حاج اسماعیل رضایی را آوردند. تیر خلاصی را به چشم چپ پدرم زده بودند، صورت و بدنش، غرق خون شده بود. چهار پنج بار جنازه را شستند، اما خون آبه‌ها تمامی نداشت. ناچارانه جنازه غرق خون پدرم را نگاه می‌کردم. یکی از روحانیون آمد و گفت که از قم فتوا آمده؛ اینها شهید هستند و نیاز به غسل ندارند. پدرم و مرحوم اسماعیل رضایی را کفن پوش کردند و روی دست مردم به سمت قبرستان بردند. پدرم وصیت کرده بود که حتماً در کنار قبر مادرش در حرم عبدالعظیم دفن شود که چنین شد.

❖ از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، سیاست‌گرزیم.

رومی کار آمد. از هاری بصراحت به وزیران خود گفته بود تا حد امکان، سخنان محمدرضا شاه را نادیده بگیرند و آن طور که خودشان می‌پسندند عمل کنند و از آنجا که این افراد شخصیت‌های کاملاً نظامی بودند، یک جو امنیتی و سخت در کشور حکمفرما شد. ۹ محمدرضا شاه پس از اطمینان از عدم موفقیت دولت از هاری، وی را از کار برکنار کرد و با انتخاب شاپور بختیار به‌عنوان نخست‌وزیر جدید، سعی کرد فضایی باز را به وجود آورد و فشارها را از سلطنت و شخص خودش بکااهد که این انتخاب نیز با شکست مواجه شد و در نهایت ملت ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مزد ایستادگی و شهدهای خود را دریافت کرد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

پی نوشت‌ها!

- ۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، زمستان ۱۳۸۳، ص ۷۲
- ۲. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، اول، ج ۱، ص ۲۴ [۱۳] همان، ص ۲۶
- ۳. فردوست حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۲۷۰، ص ۱۳۲۰
- ۴. آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ۶۳۶ و ۶۳۷
- ۵. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۲۰، ص ۲۶
- ۶. قربانی، عباس، اعترافات ژنرال، خاطرات از تشدید عباس قربانی، چاپ ششم، تهران، نشر نی، ۱۳۶۵، ص ۲۲ و ۲۳

فلسفه سیاسی آیت‌ا... خامنه‌ای

کتاب فلسفه سیاسی آیت‌ا... خامنه‌ای، کتابی مشتتم بر اندیشه‌های سیاسی ایشان است که آن را سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر کرده است.

این اثر توسط حجت‌الاسلام والمسلمین محسن مهاجرنیا در ۵۳۲ صفحه و در قطع رقعی در پنج فصل آیین اندیشه، آیین اجتماع، آیین شهروندی، آیین شهریاری و آیین سعادت منتشر شده است. فلسفه سیاسی، دانشی است که با رویکرد و روش عقلانی پیرامون مطلوبیتهای حیات سیاسی انسانها بحث می‌کند و به دنبال این است که «بهترین نوع زندگی اجتماعی»، «بهترین رژیم سیاسی» و «بهترین تعامل اجتماعی» و «بهترین غایات زندگی سیاسی» را تبیین نماید.

بر خلاف سایر دانشها و گرایشها، دانش سیاسی از روزمرگی علم سیاست و عینی‌گرایی جامعه‌شناسی سیاسی و جزئی‌نگری فقه سیاسی، فاصله می‌گیرد و به عنوان رویکردی کلی، دایمی، فرازمانی به حیات سیاسی نظر دارد.

کتاب، فلسفه سیاسی آیت‌ا... العظمی سیدعلی خامنه‌ای را بر اساس روش پرسش‌گری سیاسی در پاسخ به بیست پرسش اساسی در ۶ محور کلی روش فهم و مبانی فلسفه سیاسی، مناسبات زندگی فردی و اجتماعی و حقیقت حیات شهروندی و جایگاه حکومت و شهریاری و جهت‌گیری‌های غایی و آرمانی در فلسفه سیاسی، سامان یافته است.

ویژگی این کتاب، توجه محقق آن به نوآوری‌های فکری، ادبیات نوین، بایبندی به صبغه فلسفی از طریق پیوند بنیادهای نظری با سامانه‌های عملی، رعایت جامعیت موضوع و ابعاد فلسفه سیاسی است. تلاش شده است تا علاوه بر کثرت استناد به اندیشه آیت‌ا... العظمی سیدعلی خامنه‌ای، بایبندی به اختصار و ایجاز نویسی و پرهیز از حواشی، رعایت شود.

حجت‌الاسلام محسن مهاجرنیا، دبیر انجمنهای علمی حوزه علمیه درباره این اثر می‌گوید: کتاب فلسفه سیاسی آیت‌ا... خامنه‌ای، محصول سالها مطالعه بوده و پنج حوزه فلسفه، کلام، جامعه‌شناسی، اندیشه و روابط بین‌الملل را در بر می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های این کتاب مختصر بودن ولی جامعیت در مورد بسیاری از مباحث فلسفه سیاسی است؛ عدالت یکی از عناصر کلیدی جامعه اسلامی در فلسفه سیاسی رهبر معظم انقلاب است و امنیت هم همین ویژگی را دارد و بلکه مهمتر است، زیرا اگر امنیت وجود نداشته باشد، جامعه از دست می‌رود.

در بخشی از این اثر و در تبیین مفهوم و ماهیت مشروعیت آمده است: «فلسفه سیاسی آیت‌ا... خامنه‌ای، اصلاحات خاص خود را دارد. مفهوم مشروعیت فراتر از مفهوم رایج مشروعیت در علوم سیاسی و همچنین فراتر از مفهوم مقبولیت است و مفهومی عمیق‌تر و جایگاهی بلندتر از مفهوم مقبولیت دارد. در نظام سیاسی اسلام، مشروعیت علاوه بر مقبولیت، از بار اعتقادی نیز برخوردار بوده و به معنا و مفهوم گسترده‌تر و عمیق‌تری است که آن اطلاق با نظام تشریح الهی و هماهنگی عمل و نظر با قرآن و سنت است. اما این هرگز به این معنا نیست که در اسلام مردم بر سر نوشت خوش مسلط نبوده و صاحب اختیار خود نیستند و حق انتخاب و آزادی عمل ندارند.

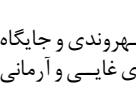
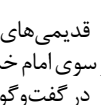
❖ فصل بهارن

چرا اشتباه کردند؟

سرسپردگی فرماندهان ارشد ارتش به شاه و بی‌هویتی آنها در مقابل ژنرال‌های آمریکایی نکته‌ای است که در سراسر خاطرات ارتشید قره باغی در کتاب خاطرات ژنرال و خاطرات هایزر در کتاب ماموریت در تهران نمودار است. ژنرال هایزر در معرفی شخصیت سران ارتش شاه (اعضای ستاد مشترک) چنین می‌نویسد: «... فرماندهی نیروی هوایی به عهده دوست قدیمی من تیمسار امیر حسین ربیعی بود. وی حدود دو سال بود که این پست را در دست داشت. بین ما رابطه دوستی نزدیکی وجود داشت. او خود را برادر من می‌دانست... فرمانده نیروی دریایی دریادار میرحجیب الهی بود. او بیش از دو سال بود که تصدی این شغل را بر عهده داشت. به نظر می‌رسید در کواوا از رزندهای غربی بیشتر از دیگر افسران بود.

خصوصیت بارز رهبران نظامی ایران غرور شخصی در یک ضعف سراسری بود که از همه جای دیگر بیشتر بود... آنها از قبول مسؤولیت او داشتند، ترس آنها هم این بود که مرتکب اشتباهی شوند که شاه خوشش نیاید و یا شاه خودش به آن اشتباه پی ببرد.

در مورد علل سقوط شاه و قطع اجتناب‌ناپذیر حمایت‌های آمریکا و دیگر حامیان وی تاکنون صد‌ها مقاله و کتاب نوشته شده است. سرتاوتنی پاورسون آخرین سفیر بریتانیا در ایران در کتاب غرور و سقوط خود می‌نویسد: «من به این نتیجه رسیده‌ام که ناتوانی ما در پیش‌بینی حوادثی که بین ژانویه ۱۹۷۸ و فروردین ۱۹۷۹ در ایران روی داد در واقع ناشی از نبود اطلاع نبوده است... ما عناصر اصلی مخالف شاه یعنی روحانیون، بازاریها و نسل جوان و روشنفکر را شناسایی کرده و درباره آنها اطلاعاتی داشتیم... اما آنچه ما را دچار اشتباه کرد و مانع از پیش‌بینی سیر حوادث بعدی ایران شد توجه نکردن به این مسأله بود که یک حادثه می‌تواند نیروهای پرآکنده مخالف و گروه‌های ناراضی را که تشکلی ندارند برای وصول به هدفی مشترک دور هم جمع کند و از این جویبارها سیلی به وجود بیاورد که سرانجام بنیان رژیم شاه را از زمین بر کند. حتی اگر پیش‌بینی به هم پیوستن نیروهای مخالف برای اماکن پذیر بود یک مشت مردم بی‌اسلحه را در برابر نیروی مجهز و قوی ارتش که تصور می‌شد متحد و وفادار هستند ناتوان می‌دیدیم.»





کارتر خطاب به امام خمینی

تمنادارم مریاری کنید

سه دهه از ارسال پیام کارتر به امام خمینی (ره) توسط کاردار سفارت سوئیس می گذرد. کارتر در این پیام، سخنان امام (ره) خطاب به مردم ایران در ۲۱ مارس - اول فروردین پیام نوروزی امام در سال ۵۸ - را سندی اساسی برای آینده ایران تلقی کرده و نوشته بود که «صلح جهانی» مورد تأکید امام را قبول دارد و آن را نیازمند روابط جدید بین دولت‌ها و احترام به حاکمیت ملل و حق مردم می‌داند. او در این نامه به اشتباه‌های آمریکا اقرار کرده و ادامه داده بود: حکومت من وارث وضع بین‌المللی خیلی حساسی است که نتیجه سیاست و اوضاع و احوال دیگری است که همه را به ارتکاب اشتباه‌هایی در گذشته وادار کرده، ولی مزیت بزرگ دموکراسی آمریکایی این است که همیشه توانسته‌است اشتباه‌های خود را شناسایی و آن را محکوم کند.



پیام رئیس جمهور وقت آمریکا را در ادامه بخوانید: عالی جناب! من امکان این را داشتم که پیام بیست و یکم مارس شما را خطاب به مردم ایران بخوانم. من این پیام را یک سند اساسی برای آینده کشور شما تلقی می‌کنم. در این پیام شما موضع خود را در سیاست بین‌المللی مشخص نموده‌اید، این امر مورد توجه ماست. من موافقم که صلح جهانی نیازمند روابط جدید بین دولتها بویژه، احترام به حاکمیت ملل و حق مردم دایر بر تعیین سرنوشت خود است. ما ایلم تأکید کنم که این دواصل که مکرر از طرف شما و آقای بنی صدر، رئیس جمهوری، عنوان می‌شود، از اصول مورد قبول من نیز هست و ما به دنبال تصمیم خود را دایر بر عملی کردن این اصول چه در نیکارگونه‌چه در افغانستان و یاد در مقابل یک خطر احتمالی به حاکمیت یوگسلاوی ثابت نموده‌ایم.

ما ایلم تأکید کنم که حکومت من وارث وضع بین‌المللی خیلی حساسی است که نتیجه سیاست و اوضاع و احوال دیگری است و همه ما را به ارتکاب اشتباه‌هایی در گذشته وادار کرده است. مزیت بزرگ دموکراسی آمریکایی این است که همیشه توانسته است اشتباه‌های خود را شناسایی نموده و یا آن را محکوم کند. ما موافقت خود را به کمیسیون تحقیق در کنگره آمریکا برای روشن کردن حقیقت اعمال وخیم مداخله آمریکا مثلاً در مورد شیلی اعلام نموده‌ایم و این کمیسیون تحقیق، تصمیمات مهمی در مورد محکوم کردن این سندی ناشی و تدابیر بسیار مهمی در قبال مسؤولیتهای داخلی از این اعمال اتخاذ کرده‌است.

ما آماده پذیرش حقایق جدیدی که مولود انقلاب ایران است، هستیم و این امر همچنان هدف ما و آرزوی ماست، زیرا من تصور می‌کنم، ما هدف واحدی را که صلح جهانی و برقراری عدالت برای همه ملل است، تعقیب می‌کنیم. از زمان عزیمت شاه سابق و مخلوع از آمریکا که به دلایل انسانی و در زمانی پذیرفته شده بود، حکومت من تصمیم گرفت که در این مسایل مداخله نکند. تمنا دارم مراد در حال بحران قیامین بر اساس ضوابط منصفانه و شرافتمندانه جدایی کنید و از این بابت نهایت حق شناسی را بخواهید داشت. دولت ما نیز از شما حق شناسی خواهد نمود، اجازه می‌خواهم جسات را اعلام دارم که به نظر من، زمان و دشمنان واقعی نظامهای سیاسی مربوط ما به زبان ما مشغولند.

با تقدیم بهترین احترامات، جیمی کارتر ۲۶ مارس ۱۹۸۰

در آمریکا یکایم پیام انتقادهای شدیدی را برانگیخت، به همین دلیل سناتور جرج بوش یکی از جمهوری خواهان آمریکا در این زمینه اظهار داشت که این عمل باعث سرفاکنندگی دولت آمریکا بوده و ادامه بحران میان ایران و آمریکا را به دنبال خواهد داشت.

WWW.QUDSONLINE.IR

قدس

صاحب‌انبار:

آستان قدس رضوی (موسسه فرهنگی قدس)

مدیر عامل:

حمزه واقفی

روزنامه

کاری از گروه فرهنگی روزنامه قدس

دبیر ویژه نامه: جواد صوحی

نظرات خود را درباره این «عصرانه»
با ما در میان بگذارید.

شماره پیامک: ۳۰۰۴۵۶۷



گروه فرهنگی - اعظم طبرانی: سقوط حکومت استبدادی رضاشاه پهلوی در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور به دست قوای متفقین، دست کم برای چند سال روند تحولات جاری کشور را دستخوش تغییرات شگرفی کرد.

بروز این شرایط از اقتدار حکومت بشدت کاست و تصدی کری دولت را در عرصه های مختلف از جمله فرهنگ با نابسامانی رو به رو ساخت؛ اما با گذشت بحران سالهای اولیه و تثبیت موقعیت عمومی حکومت، عرصه تصدی دولت در حوزه های فرهنگی نیز فزونی یافت و امکانات برای پیشرفت آفرینشهای فرهنگی هماهنگ با الگوهای پذیرفته شده غربی افزایش یافت.

این موضوع را بهانه ای برای گفت و گو با دکتر علی رجبلو؛ استاد جامعه شناسی سیاسی ایران دانشگاه الزهرا(س) قرار دادیم تا مناسبات فرهنگی ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را از زبان ایشان بشنویم.

❖ آقای دکتر! ویژگی های فرهنگی دوره رضا خان چگونه بوده است؟

اگر بخواهیم در خصوص مناسبات فرهنگی دوره رضاشاه صحبت کنیم، بد نیست به مناسبات فرهنگی دوره قاجار نیز اشاره ای داشته باشیم. طی دوره قاجار اندیشه ترقی با ویژگی غرب گرای در ایران رواج دارد که مناسبات اصلی این تفکر از سوی میرزا ملکم خان ومیرزا آقاخان کرمانی و افرادی نظیر میرزا فتحعلی آخوند زاده ومیرزا حسین خان سپهسالار بیان شده است.

حتی میرزا ملکم خان ناظم الدوله در آخرین رساله خود با عنوان «کلید نجات ایران» آورده است، «کدام پادشاه آسیاست که به پاپوس سلاطین غرب نرفته باشد "از این رو اولین فردی که تقلید فرهنگ غرب در ایران را مطرح کرده، میرزا ملکم خان ناظم الدوله است. این تفکر غربگرایی تا جایی در ایران رواج می یابد که ملک الشعراء بهار نیز که خود فردی مبارز و متجددی بوده، سروده است "یا مرگ و یا تجدد و اصلاح - راهی به جز این به پیش وطن نیست ؛ ایران کهنه شده است سراپای در - مانش جزبه تازه شدن نیست " و حتی در جایی دیگر به نوشتن شعر اشاره کرده و سروده است "بهارا همتی جوی استنادی کن به شعر نو - که نرچیدم ز شعرا نوری و عرفی و جامی " و این نشان می دهد متجددین، نو گرای را در بسطیاری از چیزها دنبال می کردند تا جایی که کلوب "ایران جوان" طی دوره رضا خان در سال ۱۳۰۰ توسط علی اکبر سیاسی وهمفکرانش از جمله اسماعیل خان مرات ، علی قلی خان مهندس الدوله ،حسن خان قشقایی و سعید نفیسی در ایران بنا نهاده شد که البته فروغی ها بویژه محمدعلی و ابوالحسن فروغی که ظاهراً فاضل و ادیب بودند و مطالب خوبی نیز می نوشتند، نقش مهمی در این نوگرایی داشتند و از وابستگان غرب بودند و هسته روشنفکری دوره رضا شاه را با وجود افرادی نظیر تقی زاده طراحی کردند و با توجه به اینکه به دنبال حذف بخش اسلامی تاریخ تمدن ایران تاریخ ایران به سه دوره تاریخ ایران پیش از اسلام ، تاریخ دوره اسلامی ایران و تاریخ تجدید تقسیم می شود) بودند، شروع به تاریخ نگاری نو و یا همان دوره تجدید نمودند که افرادی چون محمد فروزینی ،حسن پرنییا ،احمد کسروی ،عباس اقبال آشتیانی ،بدیع الزمان فروزان فر،ملک الشعراء بهار،استاد ابراهیم پور داود ،عبدالحسین سپنتا ،محمد افشار،ذبیح بهروز و محمد مقدم روشنفکران مصر رضا خانی بودند که هدفشان ترویج پیوند بخش ناسیونالیسم دوره رضا شاه با ایران پیش از اسلام و نوعی باستان گرایی بود که می شود افرادی نظیر سعید نفیسی ،محمد علی جمال زاده و مجتبی مینوی را نیز به جمع این روشنفکران افزود. اما اگر بخواهیم دقیق تر وارد بحث شویم، باید نقش فروغی را در این راستا برجسته کنیم . چون خاندان فروغی بویژه محمد علی فروغی که آخرین نخست وزیر رضا خان و اولین نخست وزیر محمد رضا شاه در زمان جنگ جهانی دوم بود، در پیوند با اشرفیاد خاندان ریپورترها (اردشیر جی ریپورت) نقش مهمی داشته است که این خاندان دست پرورده استعمار انگلیس و از اقلیت زرتشتیان هند بودند که با تعلیماتی که دیده بودند، پس از فتوای تاریخی آیت ا... میرزای شیرازی، وارد ایران شدند تا ریشه های قدرت اسلام در ایران را از بین ببرند و توانستند فرهنگ و تفکر ناسیونالیستی دوره رضاشاه را در ضدید با مذهب بچینند. به طوری که فروغی در جایی در پاسخ به این پرسش که آیا خود اهالی ایران قادر به اداره کردن مملکت هستند یا خیر؟ گفته است : "ایران شما مانند آستین بی حرکتی است که تا دست دولت انگلیس در آن نباشد، ممکن نیست تکان بخورد."

در کتاب "ظهور و سقوط خاندان پهلوی" به طور مفصل نقش مؤثر خاندان ریپورترها در ترویج فرهنگ استعماری انگلیس و ضدیت با فرهنگ اسلام گرای در ایران پرداخته شده است و نشان می دهد تر کیب تفکر فروغی و سراردشیر جی ریپورتر مکتبی را پدید آورده بود که بر ضد روحانیت و اسلام جهت گیری شده و بیشتر کارمایه های فراماسونری و صهیونیستی و وابستگی به غرب را

فرهنگ شاهنشاهی در گفت و گو ی قدس بادکتر رجبلو

«شاهنشاه» نفرت انگیز ترین کلمه

از نظر پیغمبر اسلام(ص) است



دنبال می کرد و مهمترین نقش را در حوزه فرهنگ دوره رضاخان داشت که به گفته ارتشبد فردوست ؛ پسر سردشیر جی ریپورت، یعنی شاهپور جی ریپورت تر به اوج اشرافیت اطلاعاتی انگلیس در ایران رسیده بود. بامداد نیز در کتاب " تاریخ رجال " جداعلی فروغی ها را از یهودیان بغداد می داند. بنابراین ،احتمالاً فروغی ها از مأموران مخفی صهیونیزم بوده اند که به بهانه تجارت به ایران آمده و در

اصفهان سکنا گزیدند و به ظاهر مسلمان شده بودند. پدر فروغی ها، یعنی میرزا محمد حسین خان فروغی از شاگردان میرزا ملکم خان بوده که اولین فراماسونر ایران است.

همچنین در خصوص شهرت یهودی الاصل بودن فروغی ها، مرحوم ملک الشعراء بهار نیز، خطاب به محمد رضا شاه پهلوی در آغاز سلطنتش سروده است "شاهها کتم از خبث فروغی خیرت - خون می کند این جهود ناکس جگرت، خطبه شهی و عزل تو را خواهد خواند - آن گونه که خاندانز برای پدیرت " که منظور از جهود، اشاره به یهودی بودن خاندان فروغی است.

در کتاب "تاریخ بیست ساله " مرحوم حسین مکی نیز آمده است : " فروغی از بدو پیدایش حکومت رضاخان، یا به لحاظ هوش فکری و یا به لحاظ آگاهی از سیاست انگلستان در خصوص تمرکز حکومت و ایجاد دیکتاتوری همواره او را تقویت می کرد و در بسطیاری از بازی های سیاسی مبتکر و در حقیقت یکی از طراحان اصلی بود."

همچنین فردوست در کتاب "ظهور و سقوط سلطنت پهلوی" با تأکید بر اهمیت نقش فروغی در روی کار آمدن رژیم پهلوی و ترسیم فرهنگ آن دوره، آورده است : "فروغی در سه مقطع حساس حیات حکومت پهلوی نقش اساسی داشته است. او نخستین رئیس الوزرای رضاخان بوده که شستل آبی سلطنت را در مراسم تاجگذاری بر دوش او استوار ساخت. "شئل آبی همان رنگ سقف ساختمانهای فراماسونری است که منظور نویسنده این است که فراماسونری و قدرت آنها را در روی کار آوردن رضا شاه نشان دهد و می گوید : "سپس در سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ که رضا خان مأموریت یافت تا مهلکترین ضربات را بر فرهنگ ملی ایران وارد سازد و برنامه ریشه کن کردن حاکمیت فرهنگی مذهب و اسلام زدایی را با خشونت به اجرا در آورد، باز هم فروغی نخست وزیر بود که تا پایان سلطنت رضاخان او را همراهی کرد و در لحظات تلخ و دلیره دیکتاتور، به فریاد او رسید و به خاطر خدمات بزرگش ، بقای سلطنت را در خاندان او تضمین کرد تا سرانجام نخستین نخست وزیر پهلوی دوم شد و تاج شاهی را بر سر محمد رضا شاه نیز نهاد."

دکتر علی محمد نقوی ؛جامعه شناس معروف در جایی گفته است: "فروغی مغز متفکر رژیم پهلوی و یکی از غریزندگان فراماسونر بود که عامل سیاست رژیم پهلوی در جهت اسلام زدایی و ورود به فرهنگ غرب به شمار می رفت و حتی تعیین نام پهلوی برای حکومت رضا خان ، به ابتکار او(که به نوعی به معنای بازگشت به تاریخ پیش از اسلام در ایران) بوده است."

استاد مطهری نیز در خصوص نقش فروغی بر ضد فرهنگ اسلامی ایران گفته است "فروغی ها می خواستند ناسیونالیسم ایرانی را جایگزین دین در ایران کنند". خانم شیرین هانتر نیز، در کتاب "ایران پس از امام

است: "ایرانیان باید از راه و روش زندگی سنتی اسلامی زوده شوند و در جهت تمدن اروپای غربی گام بردارند." به طور کلی از کشف حجاب رضا خان گرفته تا تغییر تقویم هجری به تقویم شاهنشاهی از سوی محمد رضاشاه، همه نشان از تفکر اسلام زدایی و غرب گراییه حکومت پهلوی دارد و گواه وابستگی این حکومت به غرب است.

جیمی کارتر نیز، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کتاب خود با عنوان "۴۴۴ روز" آورده است: "من نیز مانند دیگر رؤسای جمهوری آمریکا بر این باورم که شاه ایران برای ما هم پیمان قدرتمندی است." که این نشان می دهد دست نشاندگی خاندان پهلوی از سوی غربیان نیز اذعان شده است و اسناد بیشماری دارد که از حوصله این گفت و گو خارج است و من شما را ارجاع می دهم به کتاب "اسناد ظهور و سقوط پهلوی" و "اعترافات فردوست.

❖ حاصل فرهنگ غربگراییه طی دوره پهلوی دوم چه بوده است؟

حاصل این فرهنگ برای مردم مذهبی ایران غیر قابل تحمل بود . ظرف مدت کوتاهی کارخانه های شراب سازی و صدور گسترده پروانه های مشروب فروشی در سطح کشور(به جز قم) توسعه یافت؛ به طوری که شراب فروشی ها از کتابفروشی ها ، کتابخانه ها و مساجد بیشتر شده بود. موسسه دختران تلفنی مادام کلود که ابتدا برای شاه و درباریان و سپس بتدریج برای ارتشیان عالی رتبه و مقامهای لشگری و کشوری ایجاد شد ،ترویج مدارس مختلط ، تأسیس مراکز فساد رسمی در شهر ها و مرکز بخشها ، تأسیس قمارخانه ها و کلوبهای شبانه ،ترویج مراکز شنای مختلط و گسترش برهنگی در سواحل ایران، تقویت مذاهب جعلی نظیر: بهائیت ،اقدامهای گسترده و تاریخی رژیم پهلوی و توطئه های آنها در راستای ترویج ابتدال ، غربگرایی و سکولاریزم ، مسایلی بودند که رژیم پهلوی در ایران گسترش داده بود تا بتوانند باستان گرایی فروغی و اردشیر جی را به اوج برسانند که همه و همه برای مقابله با اسلام بود.

به اعتقاد من، اوج اسلام زدایی رژیم پهلوی سال ۱۳۵۰ بود که محمد رضا شاه سران ۶۹ کشور جهان را در مقابل مقبره کوروش جمع کرد و جشنهای دو هزار و پانصد ساله معروف را برگزار کرد و در حضور آنها همان جمله معروف را "کوروش آسوده بخواب، زیرا که ما بیداریم" ،گفت و کار به جایی رسید که حتی مرحوم رهی معیری را وادار کردند ، شعری خطاب به محمد رضا شاه بگوید که : "روشنتر از نور خدایی - در علم و دین رهبر مایی" که شاه را از خداهم بالاتر برند و به صورت ترانه از رادیو پخش می شد.

همچنین در یادگان هاستور دادند "خدا- شاه- میهن" را که به صورت مثلث نوشته شده بود، پاک کنند و بنویسند "شاه- خدا- میهن" . یعنی شاه را در رأس خدا و میهن قرار دادند و در واقع شاه نماد فرهنگ جدیدی بود که ابتدال و غربزدگی را ترویج می کرد.

اورپانا فالاجی این جنون شاه را در کتاب "مصاحبه با تاریخ" نوشته و گفته است: "اعلی حضرت نقطه نظرهای شگفت آوری دارد و معتقد است که روح داریوش کبیر در او حلول کرده و خداوند او را به این دنیا فرستاده تا پادشاهی از دست رفته کوروش را از نو زنده کند".

پیرپلانته نیز در کتاب خود با عنوان "ایران، انقلاب به نام خدا" نوشته است: "سال ۱۳۵۰ از سوی رژیم پهلوی، سال کوروش کبیر نام نهاده شد و با اشاره به جمله ای از حضرت امام (ره) نوشته، "چگونه ملتی می تواند برای چنین پادشاهی جشن بگیرد که روی جنایات پادشاهان تمام تاریخ را سیاه کرده و از نظر پیغمبر اسلام شاهنشاه نفرت انگیزترین کلمه است".

به این ترتیب فرهنگی که به واسطه سر ریپورت اردشیر جی و محمدعلی فروغی پایه گذاری شد و با ترویج غربگرایی در جشنهای دو هزار ،۵۰۰ ساله شاهنشاهی از سوی محمد رضا پهلوی به اوج رسید ، تا جایی پیش رفت که حتی اشرف پهلوی نیز، که یکی از مبتذل ترین افراد در دربار پهلوی بود، در نامه ای به ارنست پرون نوشته : "شاه دربار را به روسی خانه تبدیل کرده است" و متن این نامه در کتاب "گذشته چراغ راه آینده است" ، درج شده است . جلال آل احمد نیز، در کتاب " غربزدگی " خود، شاه را مسخره کرده و نوشته : " رهبر غربزده ما بر سرموج می رود و زیر پایش سفت نیست، به همین جهت وضعش هیچ روشن نیست "

همچنین پرویز راجی ؛ سفیر ایران در انگلیس که رابطه مبتذلی با اشرف پهلوی داشته، در کتاب "خدمتگزار تخت طاووس" نوشته است: "نمی توانم این مسأله را به خود بقبولانم که شاه و همه کسانی شبیه من که در دربار شاه هستیم، چگونه می توانیم مدعی داشتن غرور ملی باشیم . در حالی که از مردم و مملکت بریده ایم و با عجز و ناتوانی از کشورهای غربی تقاضای حمایت داریم ". سرانجام شاه و دربار پایش کار را به جایی رساندند که تمام مردم ایران یک صدا علیه رژیم پهلوی انقلاب کردند و بهمن ماه سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی با شعار نه غربی ، نه شرقی ، جمهوری اسلامی در سراسر ایران تجلی پیدا کرد.

